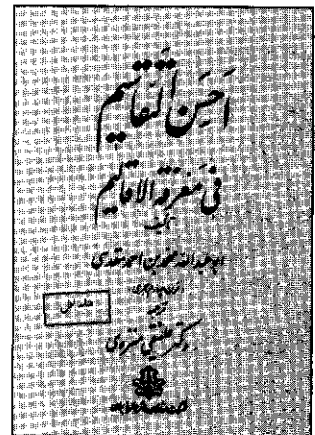
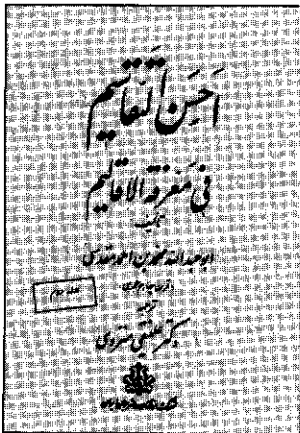


تقسیم‌بندی سرزمین ایران

در کتاب

احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم

ناصر صدقی



○ احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم

○ تألیف: ابوعبدالله احمد مقدسی

○ ترجمه: علینقی منزوی

○ ناشر: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، تهران، ۱۳۶۱ (جلد ۲)

مقدمه:

توجه به جغرافیا و جغرافیای‌نویسی نزد مسلمین از قرن سوم به صورت رسمی آغاز شد و معرف آن کتب مسالک و ممالک بودند. همان‌طور که از عنوان آنها پیداست این کتابها به مسافت راه‌ها و کاروانسراها و محل توقف کاروان‌ها و پل‌ها و محل گذر راه‌ها و غیره می‌پرداختند؛ خصوصاً مراسم حج جهت تسهیل حرکت مسافران به مقصد مکه و مدینه در این امر مؤثر بود.

این کتب حاوی دیدها و شنیده‌های نویسندگان آنها در مورد ملل اسلامی و ممالک منتهی به مکه و مدینه و بغداد، مرکز خلافت عباسی بود. جغرافیای‌نویسی گرچه در ابتدا با این هدف شروع شد، ولی بعد از مدتی کتب نسبتاً قابل توجهی به ارائه اطلاعات در زمینه اقتصاد، مذاهب مردم، نوع زبان‌ها و فرقه‌های دینی و آداب و رسوم اجتماعی پرداختند.

درواقع از قرن چهارم هجری کتب جغرافیایی با اطلاعات گسترده در زمینه‌های مذکور وارد مرحله جدید شد و جغرافیای‌نویسی به صورت منظم و مفصل آغاز گردید. آنچه در این مبحث مورد توجه قرار گرفته، نقد و ارزیابی کتاب احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم مقدسی، یکی از بهترین متون جغرافیایی قرن چهارم هجری است. در این نوشتار سعی شده در حد امکان اطلاعات نویسنده آن در مورد دانش جغرافیا و روش وی در تقسیم سرزمین‌های اسلامی و ایران به اقالیم مختلف مورد بررسی قرار گیرد.

منابع مورد استفاده مقدسی در نگارش کتاب احسن التقاسیم فی

معرفه الاقالیم:

آغاز جغرافیای‌نویسی در جهان اسلام به صورت منظم و مفصل به قرن چهارم هجری بازمی‌گردد. جغرافیای‌نویسان عمده این قرن اصطخری، ابن‌حوقل و مقدسی بودند. در بین کتب جغرافیایی قرن چهارم جایگاه احسن التقاسیم فی

معرفه الاقالیم از همه والاتر و شرح و دیدگاه نویسنده آن از دیگران مفصل و دقیق‌تر است.

مقدسی از جانب پدر به شهر بیت‌المقدس منسوب است و به همین خاطر به مقدسی یا مقدسی معروف است و از جانب مادری به «بیار» شاهرود در سمنان امروزی یا قومس آن روزگار منسوب است. ^۱ تألیف کتاب وی در سال ۳۷۵ ه. ق خاتمه یافته و خود او در سال ۳۸۱ درگذشته است.

شیوه نگارش مقدسی در کتاب احسن التقاسیم از دیگران متفاوت و مفصل‌تر و مبتنی بر مشاهدات عینی است. به قول لسترنج «کتاب مقدسی شاید بزرگترین و بی‌شک اصیل‌ترین کتاب‌های جغرافیای‌نویسان عرب باشد. وصفی که از شهرها و عادات و رسوم و محصولات و صنایع آن نقاط ارائه نموده و زبده محصولات هر اقلیمی را ذکر نموده، آن را بهترین کتابی قرار داده که اعراب در قرون وسطی نوشته‌اند».

اطلاعات مقدسی در کتابش از منابع مختلفی بوده که خود به ذکر آنها پرداخته است. مقدسی هدف از تألیف کتابش را شناخت سرزمین‌های مسلمانان در تمام زمینه‌های زندگی اجتماعی و اوضاع طبیعی و اقتصادی عنوان کرده است.

منابع مورد استفاده وی در تألیف کتابش را به چند دسته می‌توان تقسیم کرد: ^۲ الف: مشاهدات عینی و تجربی نویسنده که بیشتر اطلاعات وی از این طریق حاصل شده است. درواقع تلاش نویسنده در مشاهده مستقیم اقالیم مختلف جهان اسلام، کتاب او را به عنوان منبعی معتبر و مفصل در زمینه آگاهی از جغرافیای تاریخی قرن چهارم ایران و سایر ممالک اسلامی قرار داده است. نویسنده به لحاظ حضور مستقیم در شهرها و ولایات، از یک سو به ذکر منزلگاه‌ها و فواصل بین شهرها پرداخته تا از این طریق راهنمایی برای آیندگانی که قصد مسافرت به نقاط مختلف و خصوصاً سفر زیارتی حج داشته‌اند، باشد. از سوی دیگر وی به ذکر خصوصیات زبانی و فرهنگی و محصولات اقتصادی و آداب و رسوم مردم مناطق

مختلف که خود به عینه مشاهده نموده، پرداخته است.

ب: او همچنین منابع مکتوب و کتابخانه‌هایی را که از آن‌ها نام برده، و حتی منابع جغرافیایی در دسترس را که قبل از وی تألیف یافته بودند، مورد استفاده قرار داده است. در کنار استفاده از آن منابع، به نقد آنها نیز پرداخته است. مقدسی از کتابخانه عضدالدوله در شیراز، کتاب جغرافیای جیهانی، وزیر دانشمند نصرین احمد سامانی، صورالاقالیم ابوزید بلخی و کتابخانه صاحب بن عباد، وزیر دربار آل بویه در ری که در دسترس او بوده‌اند، استفاده نموده است.

ج: بخشی از اطلاعات نویسنده که قسمت اندکی را شامل می‌شود، استفاده از روایات اشخاص و افراد موثق در مورد مناطقی است که نویسنده قادر به سفر به آن نقاط نبوده و اطلاعات وی در مورد آن سرزمین‌ها اندک بوده است. مثلاً نویسنده در توصیف سرزمین سند، به لحاظ اینکه قادر به دیدار همه نقاط این منطقه نبوده، اشاره می‌کند که از روایات آگاهان منطقه استفاده کرده^۴ و به این لحاظ توضیحات نویسنده در مورد این سرزمین پراکنده و مختصر است.

میزان شناخت مقدسی از دانش جغرافیا:

شناخت مسلمانان از دریاهای اطراف جهان اسلام و برخی پدیده‌های طبیعی، به رغم توجه‌شان به سرزمین‌های اسلامی، ناقص و آمیخته با افسانه‌ها و خرافات است. مقدسی به عنوان یکی از مهم‌ترین جغرافیایان یونان قرن چهارم که دوره شکوه علم و دانش در جهان اسلام است، در بیان برخی پدیده‌ها مانند علل جزر و مد^۵ به افسانه‌نویسی متوسل شده است. آنچه از نوشته مقدسی برمی‌آید، عدم درک مسلمانان از چگونگی جزر و مد و نسبت دادن آن به علل نامعقول و مبهم بوده است. مثلاً مقدسی در روایتی علت مد را ناشی از فروبردن انگشت از سوی ملکلی ناشناخته در آب و علت جزر را کشیدن انگشت توسط وی می‌داند.^۶

همچنین اطلاعات مقدسی در مورد دریاهای اطراف جهان اسلام مبهم و آمیخته با افسانه‌هاست. در واقع اظهارات متعدد وی در مورد تعداد دریاها و ارتباط آنها با همدیگر بیشتر ذهنی است تا مشاهده عینی. مثلاً وی برای مشخص کردن تعداد دریاها که هفت یا هشت تا بوده متوسل به افسانه‌ها یا مقایسه‌های مختلف از آیات قرآنی در اثبات آنها شده است.^۷

اطلاعات مقدسی در مورد سرزمین‌های «کفار» که در خارج از جهان اسلام بوده به دلیل عدم مشاهده مستقیم و فقدان اخبار، کم‌اعتبار است. وی جهان را به چهارده اقلیم تقسیم می‌کند که هفت اقلیم آن ویران و نیمه دیگر آباد و آشکار بوده است.^۸

شاید منظور مقدسی از «اقالیم ویران» همان سرزمین‌هایی است که وی از آنها شناخت و اطلاعاتی نداشته است. اقلیم هفت‌گانه آباد موردنظر مقدسی بنابر معیارهای امروزی در جنوب با خط استوا مربوط بوده و به طور کلی در شمال خط استوا و نیمکره شمالی زمین واقع بوده‌اند. مابقی نقاط جهان خصوصاً ربع شمالی، ربع جنوبی زمین به قول مقدسی ویران بوده است، که این امر هم نشانگر عدم شناخت مقدسی از سرزمین‌های خارج از جهان اسلام است.

تقسیم جهان به چهارده اقلیم که هفت اقلیم آن آباد بوده ظاهر به پیروی از ستاره‌شناسان و تحت‌تأثیر سنن رومی و بابلی و ایرانی در مورد تقدس عدد هفت بوده و همچنین شاید به نسبت هر هفت ستاره یا هفت «امشاسپندان» هفت اقلیم متصور بوده است.

جایگاه جغرافیایی سرزمین‌های اسلامی و ایران در اقلیم هفت‌گانه آباد

جهان از دیدگاه مقدسی:

هدف مقدسی به دلیل عدم شناخت وی از سرزمین‌های «کفار»، تنها توصیف «کشور اسلام» است. همانطور که گذشت مقدسی کشور اسلام را به چهارده اقلیم

تقسیم کرده و اقلیم‌های عجم را از عرب جدا کرده، سپس خوره‌های هر اقلیم را ذکر نموده و بعد از آن به توضیح شهرها و شهرک‌های واقع در هر یک از خوره‌ها می‌پردازد. از چهارده اقلیم سرزمین‌های اسلامی شش اقلیم شامل سرزمین‌های عربی و هشت اقلیم شامل ایران است. خط استوا به عنوان پایه و محل آغاز اقلیم‌های آباد جهان قلمداد شده و مقدسی این اقلیم‌ها را به ترتیب از استوا به سمت شمال ذکر می‌کند. از نظر او اقلیم اول در مجاورت خط استوا و سایر اقلیم‌ها، به ترتیب تا شمال ادامه می‌یابد.

مقدسی اقلیم‌های شش‌گانه عربی را به سرزمین‌های زیر تقسیم می‌کند:

- ۱- جزیره‌العرب.
- ۲- عراق.
- ۳- اقور که در کتب دیگر همان سرزمین جزیره در شمال عراق است.
- ۴- سرزمین شام.
- ۵- مصر.
- ۶- مغرب در شمال غرب افریقا.

اقالیم عجمی که شامل سرزمین‌های واقع در ایران بود توسط مقدسی به ۸ اقلیم تقسیم شده که توصیف تفصیلی آنها در ادامه خواهد آمد. این اقلیم‌ها شامل سرزمین‌های زیر می‌باشند:

- ۱- خاوران
- ۲- دیلم
- ۳- رحاب
- ۴- کوهستان (جبال)
- ۵- خوزستان
- ۶- فارس
- ۷- کرمان
- ۸- سند

براساس توضیحات مقدسی جایگاه این سرزمین‌ها در اقلیم هفت‌گانه آباد جهان از این قرار است:

شمال

اقالیم هفتم	سرزمین‌های شمال خوارزم و در امتداد آنها از شرق به غرب
اقالیم ششم	سرزمین‌های ترکستان ← خوارزم ← سمرقند ← اندلس شمالی و در امتداد آنها از شرق به غرب
اقالیم پنجم	سرزمین‌های مرو ← خراسان ← طبرستان ← گیلان ← رحاب (آذربایجان) و در امتداد آنها از شرق به غرب
اقالیم چهارم	سرزمین‌های اصفهان ← همدان ← زنجان ← مراغه و در امتداد آنها از شرق به غرب
اقالیم سوم	سرزمین‌های قورها ← فارس ← بغداد ← اردن و در امتداد آنها از شرق به غرب
اقالیم دوم	سرزمین‌های مکه و یثرب و سرزمین‌های واقع در امتداد شرقی و غربی آنها
اقالیم اول	سرزمین‌های صناعا و عدن در یمن و سرزمین‌های واقع در امتداد شرقی و غربی آنها

جنوب

خط استوا

براساس جدولی که از اطلاعات مقدسی در مورد جایگاه سرزمین‌های اسلامی در اقلیم هفت‌گانه آباد جهان رسم شد، می‌توان به میزان شناخت جغرافیایونسان مسلمان از جغرافیای جهان که مقدسی یکی از برترین آنها بود، تا قرن چهارم پی‌برد. براین اساس سرزمین‌های جنوب خط استوا برای مسلمانان ناشناخته و در حکم اقلیم ویران جهان بود و از دیگر سوی آنها در مورد سرزمین‌های شرقی و غربی واقع در اقلیم هفت‌گانه آباد جهان که به عقیده آنها جهان اسلام مرکز این اقلیم آباد بوده، اطلاعاتی اندک و ناقص داشته‌اند؛ به طوری که سرزمین‌های شمالی واقع در شمال خوارزم و دریای خزر که شامل روسیه امروزی است و اروپا هم در این سرزمین‌ها واقع است، برای مسلمانان ناشناخته بوده است.

روش مقدسی در تقسیم جغرافیایی ایران به اقلیم مختلف:

اگرچه اطلاعات مقدسی در مورد جغرافیای سرزمین‌های غیراسلامی ناقص

و مبهم است، اما در مورد سرزمین‌های اسلامی و به خصوص ایران، به دلیل مسافرت‌های وی به تمام نقاط ایران، کتاب او حاوی اطلاعات ارزشمندی می‌باشد. روش مقدسی در تقسیم سرزمین باستانی ایران به اقلیم‌های مختلف و تمایز آن با سایر سرزمین‌های اسلامی، به دو بخش اقلیم عربی و

عجمی، نه به لحاظ سیاسی یا حوزه‌های مستقل اداری بلکه به خاطر تمایز زبانی این دو منطقه یعنی ایران با سایر سرزمین‌های عربی است؛ چرا که کل این سرزمین‌ها به رغم وجود سلسله‌های نیمه مستقل در ایران، از لحاظ اداری و سیاسی، در قرن چهارم تابع خلافت عباسی به مرکزیت بغداد بود. شیوه مقدسی در تقسیم ایران به اقلیم‌های مختلف از روی نظم و قاعده است که برخی از جمله معیارهای جغرافیائونویسان قبل از مقدسی و برخی دیگر جزو شیوه‌های خاص مقدسی در نام‌گذاری اقلیم‌هاست. برای نمونه وی برخلاف سایر جغرافیائونویسان، خراسان را سرزمین «خاوران»، آذربایجان را سرزمین «رحاب» و یا سرزمین جزیره را اقلیم «اقور» ذکر کرده است که این نام‌گذاری‌ها مختص مقدسی است و دلایل خاص خود را داشته است که ذکر خواهد شد.

اگر کویر لوت را در جغرافیای ایران به عنوان نقطه مرکزی فرض کنیم، شیوه مقدسی در تقسیم‌بندی و توضیح اقلیم واقع در ایران از خراسان یا سرزمین خاوران شروع و سرزمین‌های واقع در حاشیه کویر را از شمال به غرب و از غرب به جنوب و از جنوب به شرق توضیح داده و در سرزمین سند در جنوب شرقی خراسان خاتمه می‌دهد.

۱- سرزمین خاوران:

اینکه چرا مقدسی به جای خراسان و سرزمین‌های تابعه آن، عنوان خاوران را به این منطقه ذکر کرده ناشی از حکومت سامانیان در این ناحیه بود که مقدسی به دلایل سیاسی و مذهبی به جهت تعلق خاطری که به سامانیان داشته است،^۱ کل قلمرو سامانیان را سرزمین خاوران نامیده و توضیح اقلیم‌های جغرافیایی ایران را از این ناحیه شروع می‌کند. مقدسی به این دلیل که سامانیان پیرو مذهب حقه «حنفی» بوده‌اند و دانشمندان را ارج می‌نهادند از آنها ستایش و توضیح سرزمین‌های ایران را از قلمرو آنها شروع می‌کند. از دیگر سوی چون سرزمین خاوران در شرق ایران بوده، می‌تواند دیگر عامل نام‌گذاری آن توسط مقدسی باشد. این اقلیم شامل سرزمین‌های خراسان، ماوراءالنهر و سیستان بوده است.

سرزمین خراسان شامل سرزمین‌های این سوی رود جیحون، مرو، بلخ، نیشابور، هرات، غزنین و عمده شهرهای آن بوده است و هرکدام تابع خود را داشته‌اند. خراسان عهد حکومت سامانیان در عصر مقدسی سرزمینی آباد و دارای فرهنگ و کتابخانه‌ها و فقها و علمای دینی برجسته و مرکز رونق و توسعه اقتصادی و تجاری بوده است.

عمده صادرات سرزمین خاوران و به خصوص خراسان، به سرزمین ترکستان بوده که شامل انواع پارچه و حبوبات، میوه و غلات، مس، آهن و دانه‌های روغنی بوده است. در مقابل پوست‌های دیباغی شده، و کمان‌های نیکو و برده و صلور آن به سمت بغداد از ترکستان به سمت خراسان بوده است. سنگ فیروزه و گل خوشبو و آب برخوردار از خاصیت درمانی و گیاه برای آرایش سفره شاهان عمده اقلام صادراتی نیشابور به مصر و ترکستان بوده است.^۲

فرغانه و اسپنجاب و شاش و اشروسنه و سعد و بخارا، عمده شهرهای ماوراءالنهر؛ و بوشنج و بادغیس و اسفزار و جوزجانان و غرجستان از دیگر شهرهای خراسان و سیستان و در کنار آنها بامیان و الشتان و بست و زرنگ قرار داشته‌اند.

۲- سرزمین دیلم:

مقدسی این اقلیم را «سرزمین پيله و پشم» می‌نامد که پارچه‌هایش در مصر

در بین کتب جغرافیایی قرن چهارم جایگاه «احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم» از همه والاتر و شرح و دیدگاه نویسنده آن از دیگران مفصل و دقیق تر است

و عراق مشهور و میوه‌ها و درآمد فراوان داشته است. چون قوم دیلم در بخشی از این سرزمین و در نقاط مرکزی ایران حکومت داشتند مقدسی این ناحیه را سرزمین دیلم نامیده است که زیاریان در ناحیه دیلم و آل بویه در مرکز و غرب ایران، حکومت داشتند، کل سرزمین‌های گرگان و طبرستان و

گیلان توسط مقدسی به عنوان «سرزمین دیلم» نامیده شده است. استرآباد و آبسکون از شهرهای گرگان و آمل مرکز طبرستان و سالوس (چالوس) و ساریه (ساری) شهرهای گیلان بوده‌اند، دیلم‌ها در این سرزمین به گروهی گفته می‌شد که در کوه‌ها زندگی می‌کنند و در مقابل گیل‌ها هم در سرزمین‌های پست و هموار زندگی می‌کرده و شهرنشین بوده‌اند.

سرزمین قومس هم توسط مقدسی جزو اقلیم دیلم محسوب شده است که شامل شهرهای دامغان و سمنان و بسطام و بیار، سرزمین مادری مقدسی بوده است.

۳- سرزمین رحاب:

به مانند سرزمین خاوران، مقدسی در نام‌گذاری این سرزمین هم به سلیقه خود عمل کرده است و سه ناحیه جداگانه اران و ارامیه و آذربایجان را به صورت واحد، در «سرزمین رحاب» آورد که در مجاورت همدیگر واقع شده‌اند.

مقدسی ظاهراً به دلیل سرسبزی این ناحیه و این که دارای کوهستان‌های پرمیوه و گلزارها و باغ‌های متعدد بوده آن را رحاب نامیده است.^۳

لسترنج هم می‌نویسد که مقدسی این ایالت را «اقلیم رحاب» یعنی منطقه جلگه‌های مرتفع نامیده که در مقابل «اقلیم جبال» در ماد که سرزمینی کوهستانی بوده است؛ می‌باشد.^۴ مقدسی این سرزمین را در مسلمانان در برابر روم و دارای پشم و پارچه‌های مرغوب نامیده است. قصبه اران «برذعه» بود و تقلیس و شمکور و شروان و باکو و باب الاپواب و شکی در آن سوی ارس عمده شهرهای اران بوده است.

«دبیل» هم قصبه ارمنیه بوده و مقدسی خلاط و خوی و سلماس و ارمیه و داخرقان (دهخوارقان = آذرشهر) مراغه و مرند و اهر را که در آثار سایر جغرافیائونویسان جزو شهرهای آذربایجان است، از ملحقات ارمنیه حساب کرده است. به گفته او کردان و نصارا در شهر دبیل اکثریت داشته‌اند.

«اردبیل» قصبه آذربایجان و تبریز و میانج (میانه) و سرآه و ورتان و موقان (مغان) و برزند هم شهرهای آن بوده است.

۴- سرزمین جبال:

سرزمین جبال یا کوهستان همان ماد قدیم و شامل شهرهای ری و همدان، اصفهان، دینور، کاشان، کرمانشاهان، نهاوند، قم و کاشان بوده است. آوه، ساوه، قزوین و ابهر دیگر شهرهای این اقلیم بوده‌اند. زعفران و گردو و انجیر نیز عمده محصولات این ناحیه بوده است. پنبه و پارچه هم دیگر صادرات این ناحیه بود، یهودیان و مسیحیان و مجوسان هم اقلیت‌های اقلیم جبال را تشکیل می‌داده‌اند.

۵- سرزمین خوزستان:

این سرزمین میان فارس و عراق واقع است، شوشتر و عسگر و اهواز عمده شهرهای آن و خزشوش مشهور و کان‌های نفت و قیر در آن نمایان است.^۵ درآمد خوزستان پشتوانه خلافت بغداد و اهواز مرکز آن بوده است.

بازرگانی و هنر و درآمد این ناحیه معروف بوده است و مردمش به تجارت و مسافرت به نقاط مختلف جهت گذران زندگی اشتیاق داشته‌اند.

خوزی‌ها در شمال اهواز ساکن بوده‌اند و مردم اهواز از مهاجران بصره و فارس زبان بوده‌اند.

جندیشاپور که در زمان مقدسی ویران شده و به دست کردان افتاده بود، مرکز نیشکر بوده و شکر، خراسان و جبال از آنجا تأمین می‌شده و کارگاه‌های بافتندگی بسیار داشته است.

شهر عسگر چون محل اقامت لشکریان عرب بوده به این نام مشهور و در زمان حجاج بن یوسف شکل گرفت.

مقدسی آبادان را که از شهرهای امروزی خوزستان است جزو اقلیم عراق محسوب کرده است.^{۱۳}

عضدالدوله بویه در اهواز و رامهرمز آبادی‌های فراوان و مساجدی را ایجاد کرده و بازارهای مختلف راه انداخته بود. زبان رایج مردم این ناحیه آمیخته‌ای از عربی و فارسی بود. باید گفت که توصیف مقدسی از سرزمین خاوران، خوزستان و فارس که مرکز سیاسی حکومت آل بویه بود، نسبت به سایر نقاط تفصیل بیشتری دارد.

عمر سرزمین فارس:

همان طور که خراسان مرکز حکومت سیاسی سامانیان بود، همزمان در غرب ایران در قرن چهارم که به دوره حکومت‌های متقارن موسوم است، آل بویه به مرکزیت فارس در عهد عضدالدوله اداره غرب ایران را عهده‌دار بود. به همان حد که مقدسی ستایشگر سامانیان است در نقطه مقابل آن نسبت به آل بویه و شخص عضدالدوله بدبین و آنها را به طعنه دیلمی نامیده^{۱۴} و شایسته حکومت نمی‌داند. هرچند به قدرت و توانایی عضدالدوله در برقراری امنیت و آبادانی و مراکز علمی معترف است.

استخر، فسا، شاپور، داراب گرد، سیراف و ارجان عمده شهرهای فارس بودند. رسم مجوسان در عهد مقدسی در استخر آشکار و بیشتر زمین‌های این ناحیه به اقطاع بوده است. ارجان از نهرهای آباد و دارای منابع مالی بسیاری بود به طوری که مقدسی از قول عضدالدوله می‌آورد که «من عراق را برای نام ارجان را برای درآمدش می‌خواهم»^{۱۵}

شیراز که موقع فتوحات مسلمین در کنار استخر بنا شد در دوره مقدسی توسعه یافته و بعداً استخر را تحت الشعاع قرار داده و مرکز فارس گردید و در عهد عضدالدوله محل اقامت وی و مرکز سرزمین فارس بود. مقدسی از آزادی مذهب و لباس پوشیدن مجوسان و نصارا در سرزمین فارس یاد می‌کند.

عضدالدوله در سرزمین فارس با ایجاد بیمارستان‌ها، کتابخانه‌ها، پل‌ها، سد‌ها، مساجد و ساختمان‌های بسیار، آبادی زیادی به این ناحیه بخشیده بود و در کنار شیراز شهری را به تاسی از شاهان ساسانی ایجاد کرده و «کردفنا خسرو» نام نهاده بود، که به نام خودش بود. همچنین شهر گور در زمان وی به لحاظ بدشگون بودن به فیروزآباد تغییر نام یافت.^{۱۶} البته بعد از مرگ عضدالدوله فارس رونق خود را تا حدودی از دست داد.

۷- سرزمین کرمان:

این اقلیم در وسط قلمرو سامانیان در شرق و آل بویه در غرب و محل نزاع طرفین بوده که در عهد عضدالدوله مختص قلمرو آل بویه گردید. بردسیر، ترماسیر، سیرجان، بم و جیرفت بوده است.

بردسیر مرکز ناحیه و دیوان‌های سرزمین کرمان و سپاهیان منطقه در آنجا حاکم بوده‌اند. ترماسیر مرکز تجاری کرمان بوده و کالای عمان به آنجا می‌رسیده است که دارای انبارهای فراوان بوده، و خرما و کرمان در آنجا گردآورده شده و راه حجاج سیستان بوده است.

خرما و زیره کرمان مشهور و عمده صادرات آن بوده است. معادن آهن و نقره و کان‌های متعدد دیگر در این ناحیه قرار داشته است. کرمان از جنوب با دریا و در شمال با کویر و در غرب با فارس و از شرق با مکران هم مرز بوده است.

مقدسی هدف از تألیف کتابش را شناخت سرزمین‌های مسلمانان در تمام زمینه‌های زندگی اجتماعی و اوضاع طبیعی و اقتصادی عنوان کرده است

۸- سرزمین سند:

این اقلیم دارای پنج حوزه به نام‌های مکران و توران و سند و ویسهند (هند) و قنوج و ملتان (مولتان) است که از غرب به شرق امتداد یافته‌اند.

مقدسی اطلاعاتش درباره این سرزمین اندک و خودش هم به این امر اشاره می‌کند که به علت ندیدن مستقیم

این ناحیه و شهرهای آن، شرح و توصیف غالب نواحی آن را از روایات آگاهان منطقه دریافته است.^{۱۷}

شهر قزدار (قصدار) مرکز قصبه توران و در بیابان واقع بود و ملتان مرکز شیعیان بود و بت‌های زیادی در این ناحیه وجود داشت که بعدها در لشکرکشی‌های محمود تصرف گردید.

دریای فارس در خاور و جنوب این ناحیه و کرمان و کویر سیستان و توابع آن در باختر این ناحیه بوده است، مکران از لحاظ حکومتی فرمانروایی جداگانه داشت و منصوره در این ناحیه سلطانی از قریش داشت که تابع عضدالدوله و به نام عباسیان خطبه می‌خواند و ملتان هم به دلیل شیعه بودن غالب مردم آن، خطبه‌گزار فاطمیان بود.

قنوج و ویسهند هم جزو سرزمین‌هایی بود که هنوز اسلام به آنجا نرسیده و در دست کافران بود.

مقدسی ناحیه کویر لوت را هم به عنوان سرزمینی جداگانه ذکر می‌کند که در عهد عضدالدوله در اثر قدرت و نظارت شدید وی مهاجمان کویر سرکوب و این ناحیه توسط وی امنیت یافته بود. چرا که عضدالدوله طی چندین سفر جنگی قفص‌ها - خطرناک‌ترین قوم این ناحیه - را به شدت تنبیه کرده بود. بلوچ‌ها دیگر ساکنان کویر بوده‌اند که همواره سرزمین‌های اطراف را مورد هجوم قرار می‌داده‌اند.^{۱۸}

پی‌نوشت‌ها:

۱. ابو عبدالله احمد مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ترجمه دکتر علی‌نقی منزوی، ج ۱، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، تهران، ۱۳۶۱، تعلیقات دخویه. ترجمه این کتاب در دو جلد، بخش اول مربوط به اقلیم عربی و بخش دوم مربوط به ایران چاپ شده است.

۲. لسترنج، گای، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۳، ۱۳۶۱، تهران، ص ۱۵.

۳. مقدسی، بخش اول، صص ۸-۴.

۴. مقدسی، بخش دوم، صص ۲۲۸-۷۰۰.

۵. مقدسی، بخش اول، صص ۲۸-۲۴.

۶. همانجا.

۷. همان، صص ۹۵-۸۳.

۸. همان، ص ۴۹۲ (بخش دوم).

۹. همان، ص ۴۷۴ (بخش دوم).

۱۰. همان، صص ۵۷۱-۵۵۲ (بخش دوم).

۱۱. لسترنج، همان، ص ۱۷۰.

۱۲. مقدسی، بخش دوم، صص ۶۲۸-۶۰۲.

۱۳. همان، بخش اول، ص ۱۶۳.

۱۴. همان، بخش دوم، صص ۶۹۹-۶۸۰.

۱۵. همان، بخش دوم، ص ۶۵۷.

۱۶. همان، بخش دوم، صص ۵۷۹-۵۲۹.

۱۷. همان، بخش دوم، صص ۲۲۸-۷۰۰.

۱۸. همان، بخش دوم، صص ۲۲۸-۷۱۶.